

سر مقاله
آزادی خواهی؛ قطاری با نسل‌ها شهید
ادامه از صفحه یک این زیست جمعی افراد است که ساختارها، فرایندها و امر سیاسی را پدید می‌آورد. بیاندیشیم، بخوانیم، شتابزده عمل نکنیم. صبر کنید. پیش از عمل، ببندیدش. اندیشه و حقیقت را نه از رسانه، که از مطالعهٔ عمیق، از واکاوی تجارب گذشته و سنجش راه‌های حال باید جست. بی‌گدار به آب نزنید. گفتگو کنید. نه تنها با همفکران، که با مخالفان‌تان. رهبران سیاسی را به دید انتقادی ببینید. او تنها شاید راست بگوید. اندیشه حتی در حین عمل نیز ممکن است و این یعنی باید همواره امکان تجدیدنظر را برای خود زنده نگه داریم. عمل سیاسی، پرستش کورکورانه‌ی یک هدف نیست؛ پرسیدن مدام از راهکارها و نتایج است. امروز رهبر یک جریان سیاسی باید برای گام‌های خود توضیحات عملی کافی دهد. تنها شورش و خیابان کافی نیست بلکه پیش از خیابان، هزار تمهید باید صورت گیرد که از کشته‌پشته‌ها حاصل نیاید. فرد فاعل نیست، غایت است، اگرچه فاعلیت مؤثر از آن فرد تنها نیست، اما غایت نهایی اوست. سیاست باید برای انسان باشد. به تعبیر قرآنی، نجات یک نفر، نجات همهٔ انسان‌هاست. انسان «تلفات» مبارزه نیست؛ مقصود نهایی آن است. این بینش، اصلی حیاتی به ما می‌دهد: در انتخاب راه‌ها — فارغ از اینکه فعالانه یا منفعلانه به نظر برسد — اولویت با مسیری است که هزینهٔ جانی کمتری دارد. معیار قضاوت ما باید این باشد: کدام راه ممکن است ناگان هزاران جان را به خطر اندازد؟ عمل، جاری است. بعضا حتی اگر در خانه بنشینیم، عملی انجام داده‌ایم، نمونه آن میزان مشارکت کم در یک انتخابات می‌تواند باشد. «یا مرگ یا آزادی» حاکی از همین نگرش است. از عمل‌های بزرگ می‌آفرینند. وظیفهٔ ما تبلیغ برای مشروعیت یک سیستم نیست؛ مشروعیت ما تارایی، برایانٔ عمل جمعی است. زندگی ذاتا سیاسی است بر عکس کسانی که گمان می‌کنند برخی گمان می‌کنند عنصری بیرونی — مانند آزادی‌خواهی — زندگی را از رشدمنی می‌کند. شعار «یا مرگ یا آزادی» حاکی از همین نگرش است. اما زندگی تکتک افراد به ذات خود از رشدمن است. نگاه کنید، بسیاری از کسانی که از خارج، مردم داخل را به شعارهای تند و خیابان‌ها فرا می‌خوانند، خود گزینهٔ "زندگی" را برگزیده‌اند. زندگی سخت است، اما گران‌بایترین دارایی هر فرد است. "نه‌ماندن" بر هر شعار دیگری تقدم دارد: طعم غذا، احساس آفتاب، بودن محض. منطق دوارنشدی، غیرعملی است. انتقام‌خواهی، حقیقت‌جویی را به حاشیه می‌راند. اما حقیقت چیست؟ آیا امری مطلق است یا ساختهٔ گفت‌و‌ها؟ شاید همچون چیزی که در فیلم مارمولک دیدیم، هر انسانی راه خود را به سوی حقیقت دارد. شاید جهان به سادگی "درست و غلط" تقسیم نمی‌شود. پذیرش این پیچیدگی، از جزمیت می‌آید. هیچ تاپویی برای گفتگو نباید وجود داشته باشد. آزادی بیان پیش از آنکه توسط حکومت محدود شود، توسعه تابوهایی درونی ما پس زده می‌شود. حکومت تنها برخی از این تابوها را قانونی می‌کند، حتی "خون مقدس" هم با ید قابل نقد باشد. تاپو، اغلب چماقی است در دست مردم علیه یکدیگر، نه فقط ابزاری در دست دولت. به یاد داشته باشیم که قرار نیست ویرانی زود آید. می‌شود اما به سادگی می‌توان آن را عمیق‌تر کرد. در شرایط بحران، عمل باید دقیق و سنجیده باشد. فرد در میان ویرانی، منروئی‌تر، خیال‌پردازتر و زودباورتر است. بنابراین همهٔ اصول پیش‌گفته، در بحران اهمیتی دوچندان می‌یابند. برخی چندان دل در ودمده‌های حمله خارجی هستند که تجربه عراق، افغانستان، لیبی و سوریه را نمی‌بینند. اصلی در تاپو، آئیت ایستایی چینی می‌تواند را را نشان دهد: عمل در بی‌عملی. ذات وضع موجود، نطفه‌های وضع متضاد را در خود دارد. پس نباید چنان در دام عمل آشکار گرفتار شویم که نقش زمینه‌ها را نادیده بگیریم. محافظه‌کاری در بحران — به معنای مورد نظر ما — خردورزی است، تلاش برای غرق نشدن در خونی که بی‌حساب ریخته می‌شود. این "عمل در بی‌عملی" کناره‌گیری از ادعای دانایی مطلق، چشم پوشیدن از انتقام و حق‌مندی کورکورانه است؛ فرو رفتن آگاهانه در دریای از دانایی، این محافظه‌کاری، نه اصول‌گرایی است، نه اصلاح‌طلبی به معنای مبسوم، و نه مشروطه‌خواهی صرف — اما می‌تواند دربرگیرندهٔ هر سه باشد. در این معنا، محافظه‌کاری یک روش بودن است: روشی فراجنایی برای راهبری در بحران. بر این اساس، گزینه‌هایی چون مشارکت در انتخابات، حضور در تظاهرات مسالمت‌آمیز، فعالیت در نهادهای مدنی، مطالعهٔ جمعی، و گفت‌وگوی نقادانه حول مسائل سیاسی، می‌توانند — بسته به شرایط — نمودهای عینی این "روش بودن" محافظه‌کارانه باشند. بنابراین به جای سوار شدن به قطار خونین آزادی‌خواهی بهتر است عصایی محکم برای خود تهیه کنیم.

شعار آزادی خواهی در تهران، ۱۳۰۴

شعار آزادی خواهی در تهران، ۱۳۰۴

به گزارش خبرآنلاین، برون‌رفت از شرایط کنونی کشور که هم‌افزایی بحران‌ها خوانده می‌شود، به گمان ناظران و تحلیل‌گران، فقط با راه حل سیاسی ممکن است. بسیاری از کسانی که معتقدند هنوز هم می‌توان راهی در میان چارچوب‌های سیاسی موجود پیدا کرد، شیوه‌هایی مثل اصلاح قانون اساسی یا همه‌پرسی را مطرح می‌کنند. اصلاح شیوه نظارت استصوابی شیوه دیگری است که شاید در درازمدت بتواند معادلات سیاسی را تغییر دهد؛ نظارتی که مناقشه‌برانگیزترین ابزار حقوقی در نظام انتخاباتی جمهوری اسلامی شده است.

تفسیری که شورای نگهبان از وظیفه خود ارائه کرد
اصل ۹۹ قانون اساسی نظارت بر انتخابات مجلس خیرگان رهبری، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آرای عمومی و همه پرسی را بر عهده شورای نگهبان قرار داده است. این شورا که خود نیز مفسر رسمی قانون اساسی است در خردادماه سال ۷۰ وظیفه نظارتی خود را چنین تفسیر کرده است: «نظارت مذکور در اصل مراحل اجرایی انتخابات از جمله تأیید و ردّ صلاحیت کاندیداهای می‌شود.» اصطلاح نظارت استصوابی از همینجا وارد ادبیات سیاسی ایران شد، هرچند که از نیز نظارت استصوابی وجود داشته است. با این حال، به کار بردن واژه نظارت استصوابی به سال ۷۰ و زمانی برمی‌گردد که غلامرضا رضوانی، رئیس هیئت مرکزی نظارت شورای نگهبان بر انتخابات - که خود از اعضای شورای نگهبان بود - در نامه ای به محمد محمدی گیلانی دبیر وقت شورای نگهبان تفسیر این شورا را جویا شد و در جمله بالا اعلام کرد که نظارت شورای نگهبان استصوابی است.

نظارت استصوابی و اختیارات شورای نگهبان پیش از دهه ۷۰، یعنی در سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی، به این شکل کنونی مطرح نبود و حتی در دوران ریاست‌جمهوری مقام معظم رهبری نیز ما شاهد نظارتی از جنس نظارت استصوابی نبودیم. برای نخستین بار در انتخابات میان‌دوره‌ای مجلس سوم، اعلام شد صلاحیت افرادی که قصد شرکت در انتخابات دارند، باید از سوی شورای نگهبان تأیید شود. این در حالی بود که بسیاری از منتقدان اول نوع نظارت معتقدند در انتخابات‌های سال‌های اول انقلاب که بدون تأیید یا رد صلاحیت کاندیداهای به شکل متداول سه دهه اخیر بود، فضای رقابتی پویاتری نسبت به امروز وجود داشت و انتخاب‌های بهتری صورت می‌گرفت و مجلسی تشکیل می‌شد که به معنای واقعی در رأس امور بود. برای نمونه در اولین انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس همه احزاب اعم از چپ، قوم‌گرا، ملی‌مذهبی حضور داشتند. تنها مسعود رجوی به سبب رأی‌ندان به قانون اساسی و رفتارندوم جمهوری اسلامی امکان شرکت در انتخابات ریاست‌جمهوری اول را نیافت و جلال‌الدین فارسی نیز به دلیل وجود سؤالاتی در ملیتیش ناچار به کناره‌گیری شد.

از صلاحیت نداشتن نمایندگان مجلس قبل تا حذف علیرضا رجایی و راه پیدا کردن حداد عادل به مجلس

پس از آن بود که اولین ردصلاحیت‌های گسترده در انتخابات، در مجلس چهارم رخ داد. ۹۰۰ نفر ردصلاحیت شدند که ۴۰ نفر از آن‌ها نماینده مجلس دوره قبل و عمدتاً جناح چپ بودند. در ادامه، مجلس جناح راستی پنجم نیز در سال ۷۴ نظارت استصوابی شورای نگهبان را به قانون انتخابات گنجانده و قدرت شورای نگهبان عملاً گسترش پیدا کرد؛ تا جایی که این موضوع در نتیجه انتخابات مجلس ششم از حوزه انتخابیه تهران نمود پیدا کرد. در آن انتخابات به سبب تعیین حد نصاب ۲۵ درصدی آرا در مرحله اول اول برای اولین بار ۳۰ نماینده تهران در مرحله اول انتخاب شدند. در نتیجه اختلاف بین شورای نگهبان و وزارت کشور سرنوشت سه کرسی به مرحله دوم موکول شد. در این انتخابات حتی ملی‌مذهبی‌ها هم شرکت کرده بودند و توانستند علیرضا رجایی و رحمان کارگشا را از تهران و اراک را روانه مجلس کنند. اما شورای نگهبان آرای آنها را باطل اعلام کرد. مصطفی تاجزاده، معاون سیاسی وزارت کشور در این دوران اصلاحات روایت کرده: برای اولین بار در این انتخابات قبل از آنکه شمارش رای پایان بگیرد، احمد

۲

www.ebtkarnews.com

اقلیت به‌جای اکثریت با اسم رمز «نظارت استصوابی»

قدرت در دایره‌بسته

استدلال حامیان نظارت استصوابی این است که چنین سازوکاری مانع تکرار تجربه‌هایی مانند ابوالحسن بنی‌صدر در نهادهای تصمیم‌گیر، از جمله ریاست‌جمهوری و مجلس، می‌شود. اما در عمل، با حذف افراد از گردونه رقابت ها عملاً مخالف‌سازی از شخصیت‌های داخلی در دستور کار قرار گرفته است. ضمن آنکه بخشی از جریان‌های تندرو که از مدافعان سرسخت این نوع نظارت هستند، هرگاه رئیس‌جمهوری خارج از دایره سلیقه آنان بر سر کار آمده، پروژه «بنی‌صدرسازی» را کلید زده‌اند.



در عمل، با

حذف افراد

از گردونه

رقابت‌ها عملاً

مخالف‌سازی از

شخصیت‌های

داخلی در

دستور کار قرار

گرفته‌است

است.

قدرت در دایره بسته؛ وقتی اقلیت به‌جای اکثریت تصمیم‌می‌گیرد

با وجود این اختلاف نظر تاریخی، در شرایط کنونی چندان اهمیتی ندارد که نظارت استصوابی از ابتدا وجود داشته یا بعدها در دهه ۷۰ به‌صورت رسمی تثبیت شده است؛ آنچه اهمیت دارد، پیامدهای عملی این روند است. روندی که به محدود ماندن دایره قدرت در میان طیف کوچکی از سیاسیون انجامیده و سازوکار نمایندگی را با بحران مواجه کرده است. کاهش مشارکت سیاسی در چند دوره انتخابات ریاست‌جمهوری و راه‌یابی نمایندگان‌ی که گاه تنها صدای چهار یا پنج درصد جامعه تلقی می‌شوند، نشانه‌ای از فاصله گرفتن اکثریت جامعه از نخبگان سیاسی است.

طبیعی است که تصمیم‌ها و مصوبات نمایندگان با چنین پشتوانه محدودی، بیش از آنکه منافع عمومی را نمایندگی کند، منعکس‌کننده دیدگاه‌ها و منافع افراد از گردونه رقابت‌ها عملاً مخالف‌سازی از شخصیت‌های داخلی در دستور کار قرار گرفته است. ضمن آنکه بخشی از جریان‌های تندرو که از مدافعان سرسخت این نوع نظارت هستند، هرگاه رئیس‌جمهوری خارج از دایره سلیقه آنان بر سر کار آمده، پروژه «بنی‌صدرسازی» را کلید زده‌اند؛ تا جایی که حتی چهره‌ای مانند مسعود پزشکیان نیز در مقاطعی با بنی‌صدر مقایسه شده است.

در نهایت، به نظر می‌رسد بازنگری در سازوکار رقابت‌های شاخص و وزنه‌های اصلی سیاسی حضور پررنگی نداشتند و مشارکت مردم اغلب با نگاهی سلبی و از سر ترس از رقبا شکل می‌گیرد؛ وضعیتی که در نهایت به رأی دادن به افراد درجه چندم جریان‌های سیاسی منتهی می‌شود.

استدلال حامیان نظارت استصوابی این است که چنین سازوکاری مانع تکرار تجربه‌هایی مانند ابوالحسن بنی‌صدر در نهادهای تصمیم‌گیر، از جمله ریاست‌جمهوری و مجلس، می‌شود. اما در عمل، با حذف افراد از گردونه رقابت‌ها عملاً مخالف‌سازی از شخصیت‌های داخلی در دستور کار قرار گرفته است. ضمن آنکه بخشی از جریان‌های تندرو که از مدافعان سرسخت این نوع نظارت هستند، هرگاه رئیس‌جمهوری خارج از دایره سلیقه آنان بر سر کار آمده، پروژه «بنی‌صدرسازی» را کلید زده‌اند؛ تا جایی که حتی چهره‌ای مانند مسعود پزشکیان نیز در مقاطعی با بنی‌صدر مقایسه شده است. در نهایت، به نظر می‌رسد بازنگری در سازوکار نظارت استصوابی، در شرایط فعلی، می‌تواند یکی از مسیرهای خروج از بحران‌های سیاسی و اجتماعی و بازگشایی فضای سیاست در کشوری به نام ایران باشد.

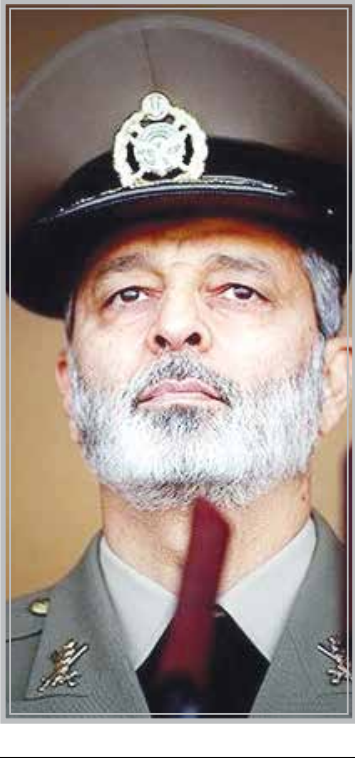
سرلشکر موسوی گفت: آنچه دشمنان این ملت، به‌ویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است. خون‌خواهی روز سیزدهم باقی مانده و کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد. دنیا چهره متفاوت ایران قوی را خواهد دید؛ آنگاه هیچ آمریکایی از امنیت نخواهد بود و آتش منطقه، آمریکا و همراهانش را در خود خواهد سوزاند.

وی با تأکید بر اینکه اگر جنگی درگیرگر، زمان و مردان مقاومت جای پای غریبه‌ها را نیز با آتش‌درمانی از منطقه پاک خواهند کرد، افزود: آن‌هایی هم که از محاصره دریایی سخن می‌گویند، بهتر است یک‌بار دیگر درس‌های جغرافیا و ژئوپلیتیک را مرور کنند؛ ایران قدرتمند و وسیع، کشوری غیرقابل محاصره است.

سرلشکر موسوی گفت: جمهوری اسلامی ایران، با اتکا به وعده الهی و تکیه بر ملت مقاوم و نیروهای مسلح قدرتمند و آماده، تحت رهبری بی‌نظیر حضرت امام خامنه‌ای، کوچک‌ترین غفلی در برابر دشمنان از خود نشان نخواهد داد. ما فقط به پیروزی می‌اندیشیم و هیچ واهمه‌ای از سروصدای گوساله سامری و هیمنه ظاهری دشمن نداریم و برای ویارویویی و زدن سبلی انتقام کاملاً آماده‌ایم.

سیاست روز

خبر
سرلشکر موسوی: کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد رئیس ستاد کل نیروهای مسلح تصریح کرد: آنچه دشمنان این ملت، به‌ویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است. خون‌خواهی روز سیزدهم باقی مانده و کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد. به گزارش ایستا، امیر سرلشکر سید عبدالرحیم رحیم موسوی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح در بازدید شبانه از آمادگی یکی از یگان‌های نیروهای مسلح اظهار کرد: ملت ایران در مقابل خوی استکباری و تجاوزگری آمریکا، از گذشته تاکنون پایدار ایستاده و او را به شکست‌های پی‌درپی واداشته‌اند؛ از جمله در جنگ پیچیده، چندوجهی و تروویستی اخیر، محاسبات دشمن را به‌هم ریختند. وی با بیان اینکه «ملت ایران در طول این ۴۷ سال بارها ثابت کرده‌اند که ایران بلعیدنی نیست و سرانجام آن لچوج خیره‌سری که درس نمی‌گیرد، خفه خواهد شد»، عنوان کرد: کسانی که چند ماه در شیپور فریب دمیدند و گزاره «ایران ضعیف» را ترویج کردند، حالا مجبورند با حرف خود را پس بگیرند، یا سبیلی منطقه‌ای قدرت ایران را دریافت کنند. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح گفت: ظاهراً فراموش کرده‌اند در سال ۵۹ مردم ایران، در شرایط دشوار، در مقابل دنیای کفر هشت سال ایستادند و سر آن را به سنگ کوبیدند؛ در جنگ دوازده‌روزه، طرح بیست‌ساله آمریکا و رژیم صهیونیستی را نقش بر آب کردند و آنها را شکست دادند؛ در فتنه دی‌ماه نیز، طرح شبه‌کودتای دشمن داعشی‌وار آمریکایی‌صهیونی را ناکام گذاشتند. سرلشکر موسوی تصریح کرد: آنچه دشمنان این ملت، به‌ویژه آمریکا، باید بدانند این است که انگیزه نیروهای مسلح ما برای جنگیدن در برابر دشمن، هیچ‌گاه مانند امروز نبوده است. خون‌خواهی روز سیزدهم باقی مانده و کوچک‌ترین خطا، دست ما را برای اقدام باز خواهد کرد. دنیا چهره متفاوت ایران قوی را خواهد دید؛ آنگاه هیچ آمریکایی از امنیت نخواهد بود و آتش منطقه، آمریکا و همراهانش را در خود خواهد سوزاند. وی با تأکید بر اینکه اگر جنگی درگیرگر، زمان و مردان مقاومت جای پای غریبه‌ها را نیز با آتش‌درمانی از منطقه پاک خواهند کرد، افزود: آن‌هایی هم که از محاصره دریایی سخن می‌گویند، بهتر است یک‌بار دیگر درس‌های جغرافیا و ژئوپلیتیک را مرور کنند؛ ایران قدرتمند و وسیع، کشوری غیرقابل محاصره است. رئیس ستاد کل نیروهای مسلح اظهار کرد: پس از جنگ ۱۲ روزه و ادامه اقدامات موزدیان آمریکایی‌صهیونی، در دکتزین دفاعی کشور تجدیدنظر کردیم و به دکتزین آفندی نیروهای مسلح، مبتنی بر رویکرد عملیات برق‌آسا و دامنه‌دار، با اتخاذ راهبردهای نظامی ناهمگرا و کوبنده تغییر دادیم؛ بر این اساس، اقدام ما سریع، قاطع و به‌دور از محاسبات آمریکا خواهد بود. سرلشکر موسوی گفت: جمهوری اسلامی ایران، با اتکا به وعده الهی و تکیه بر ملت مقاوم و نیروهای مسلح قدرتمند و آماده، تحت رهبری بی‌نظیر حضرت امام خامنه‌ای، کوچک‌ترین غفلی در برابر دشمنان از خود نشان نخواهد داد. ما فقط به پیروزی می‌اندیشیم و هیچ واهمه‌ای از سروصدای گوساله سامری و هیمنه ظاهری دشمن نداریم و برای ویارویویی و زدن سبلی انتقام کاملاً آماده‌ایم.



مهم‌ترین سرمایه اجتماعی و اساس کار ماست، تصریح کرد: این مهم در رفت‌وبرگشت‌ها و آگاهی‌بخشی شکل می‌گیرد. اعتماد با شعار تحقق نمی‌یابد بلکه باید تولید شود و اگر شکل گرفت، مشارکت معنادار اتفاق می‌افتد.

قالبیای افزود: متأسفانه ما مشکلات را تبدیل به مسئله نمی‌کنیم و وقتی مسئله را به رسمیت نمی‌شناسیم، یعنی به آن توجه نمی‌کنیم؛ اگر به دنبال حل مسئله هستیم، باید مسئولان، مردم و جامعه آن را به رسمیت بشناسند.

قالبیای با تأکید بر اینکه حکمرانی بدون شفافیت، هوشمندسازی و مردمی‌سازی معنا ندارد، تصریح کرد: اگر به این سه مؤلفه توجه شود، کارآمدی و خروجی مناسب حاصل خواهد شد.

مسعودپزشکیان:

قاطعانه در مسیر مبارزه با رانت و تبعیض گام برمی‌داریم

رئیس جمهور با تأکید بر اینکه ظرفیت برطرف کردن تمام مشکلات در کشور وجود دارد، تصریح کرد: چنانچه با یکدیگر هماهنگ و هم‌افزا باشیم، می‌توانیم در کنار هم با سازماندهی منطقی امور مشکلات را برطرف و از بحران‌ها عبور کنیم.

اتحاد و انسجام و وجود همدلی در جامعه سبب می‌شود تأثیرگذاری در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم رعایت حق، عدالت، انصاف و پیروی از سیاست‌های ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری یک اصل ضروری محسوب می‌شود.

پزشکیان یادآور شد: اکنون که مسئولیت اداره کشور را بر عهده داریم، قاطعانه در مسیر مبارزه با رانت، فساد و خلاف گام بر می‌داریم تا شرایط برای بهبود سطح زندگی مردم فراهم شود.

رئیس جمهور در بخش دیگر سخنان خود خطاب به معاونان خود با تأکید بر پرهیز از موازی‌کاری و پیشگیری از ایجاد تداخل در ساماندهی فعالیت‌ها، دستور داد: شیوه حرکت، نظارت بر امور و پشتیبانی از واحدها باید به گونه‌ای

باشد که در تمام بخش‌ها و وزارتخانه‌ها حرکت ایجاد کند. بنابراین با تعامل و هماهنگی بیشتر ضرورت دارد در تبیین وظایف و اقدامات این شورا بررسی و تجدیدنظر شود.

پزشکیان افزود: در مسیر حل مشکلات و برطرف کردن کاستی‌ها، ابتدا باید به دنبال حل مسائل و مشکلات خودمان باشیم. دولت ساختاری فرایشی است.

به این معنی که تمام فرایندها و ساختارها در وزارتخانه‌ها مستقیم و غیرمستقیم از مجرای دولت عبور می‌کند. پس برای مدیریت هر چه بهتر ساختارها و فرایندها، اصول و استراتژی‌های علمی و تجربه شده موفق داشته باشیم. رئیس جمهور با تبیین سه اصل مهم مدیریتی و تجربه جهانی، خاطرنشان کرد: ارزیابی جهانی بر اساس بررسی تجربه ۴۰ کشور دنیا، سه اصل مشترک یعنی «مسئولیت»، «نوع کار» و «پاسخگویی» در همه اصلاحات موفق وجود داشته است. همچنین از پنج استراتژی شناخته شده، حداقل دو یا سه مورد به‌طور همزمان اجرا شده‌اند. تمام واحدها و نهادهای ما باید مبتنی بر این قواعد،